

دانش و پژوهش
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
(علوم انسانی)
شماره اول - پاییز ۱۳۷۸
صص ۷۰ - ۵۷

بررسی دیدگاه مدیران نسبت به تکنولوژی آموزشی و ارتباط آن با شیوه تصمیم‌گیری آنها در آموزش و پرورش شهر اصفهان

هاشم فردانش* - پروانه شاهین**

چکیده

هدف این تحقیق بررسی دیدگاه مدیران نسبت به تکنولوژی آموزشی و ارتباط آن با شیوه تصمیم‌گیری آنان است، به این منظور اهداف جزئی معین و فرضیه‌های تحقیق طرح شدند؛ سپس به منظور آزمون فرضیه‌ها و نیل به اهداف؛ از سه پرسشنامه اطلاعات فردی، نگرش نسبت به تکنولوژی آموزشی و شیوه تصمیم‌گیری مدیران استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق عبارت بود از پنج رده مدیران، شامل کارشناسان مسؤول در اداره کل آموزش و پرورش، کارشناسان نواحی و مدیران مقاطع سه گانه متوسطه عمومی، راهنمایی تحصیلی و آموزش ابتدایی در آموزش و پرورش شهر اصفهان که پس از برآورد حجم نمونه و انتخاب خوشه‌ای نواحی، تعداد نمونه در هر طبقه و ناحیه متناسب با حجم آن معین و نظرات جمع‌آوری شد. سپس با استفاده از روشهای آماری پارامتری و غیر پارامتری تجزیه و تحلیل لازم صورت پذیرفت.

* - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران

** - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

نتایج نشان داد که مدیران برای سرمشق‌ها (الگوها) و دستورالعمل‌ها نسبت به ابزار و دستگاهها اعتبار بیشتری قایل هستند و نگرش نرم‌افزاری دارند؛ این نوع نگرش در بالاترین رده مدیران به وضوح مشخص شد، اما دیگر رده‌ها نگرش یکسانی نسبت به ابعاد تکنولوژی آموزشی نشان دادند، از جمله یافته‌های مهم این قسمت می‌توان از نگرش سخت‌افزاری مدیران دوره‌های ابتدایی و راهنمایی نسبت به کارشناسان مسؤول یاد کرد. وجود رابطه بین متغیرهای سن، تحصیلات و سابقه خدمت با نگرش مدیران نسبت به تکنولوژی آموزشی تأیید گردید و رابطه مستقیم بین تحصیلات و نگرش نرم‌افزاری و افزایش سیانگین رتبه نگرش سخت‌افزاری با سابقه مدیریت ملاحظه شد. همچنین روشهای مشاوره‌ای و مشارکتی به‌عنوان متداولترین شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران و مستقل از نگرش آنان نسبت به تکنولوژی آموزشی شناخته شد.

مقدمه

یکی از مهمترین فعاليتها در زندگی اجتماعی بشر امروز مدیریت است، در عصر حاضر به مدد این فعالیت مأموريتها و اهداف سازمانها تحقق می‌یابد، از منابع و امکانات موجود بهره‌برداری می‌شود و بشر این موجود بهره‌مند از قوا در مسیر و مجرای صحیح زندگانی قرار می‌گیرد و با رشد و پرورش نیکوی نیروها، راهبردها توسعه می‌یابد. «مدیران در سازمانهای آموزشی عوامل اصلی در بهسازی و بازسازی جامعه‌اند، مدیران لایق و آگاه قادرند با بهره‌گیری از تواناییهای ذاتی، دانش تخصصی، تجربیات شغلی و نگرش صحیح، اهداف سازمانها را به بهترین نحو ممکن تحقق بخشند.» (شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۳۲). طی تحقیقی که پیشرفت تحصیلی فراگیرندگان دوره راهنمایی تحصیلی شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داد که سه عامل؛ رضایت شغلی معلمان، فرهنگ حاکم بر خانواده و مدیریت آگاه حاکم بر مدارس در پیشرفت دانش‌آموزان نقش بسزایی داشته‌اند (اطه‌ری راد، ۱۳۷۳، ص ۵). از این روست که باید تا حد امکان قابلیتها و توانمندیهای علمی-کاربردی مدیران را برای انجام وظایف خطیر آموزشی که «بهترین و مهمترین آن اداره امور و برنامه‌های آموزشی است» (نیکنمایی، ۱۳۷۲، ص ۲۱) فزونی بخشید. در این میان شناخت و آگاهی نسبت به تکنولوژی آموزشی که بیانگر داشتن روش و برنامه‌ریزی صحیح و موجب بهره‌گیری از یافته‌های علمی برای حل مسائل آموزشی است، ضروری می‌نماید.

تکنولوژی آموزشی در عرصه‌های متعدد، کارایی خود را نشان داده، هر فرد، سازمان یا نهادی که از روشهای پیشنهادی علم تکنولوژی آموزشی بهره گرفته، بیش از پیش بر بهره‌وری و اثربخشی خود افزوده است. اطلاع از چنین دانشی مدیران را قادر می‌سازد تا آگاهانه اهداف سازمانی و آموزشی را تحلیل کنند و بر مبنای آن برنامه‌ریزی نمایند. در انتخاب فنون و روشها گزینشی نیکو داشته باشند. با استفاده صحیح از اطلاعات و امکانات، وظیفه اصلی خود در سازمان، یعنی تصمیم‌گیری را به نحو مطلوب انجام دهند و نظم خاصی را در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های آموزشی- تربیتی سازمان رعایت کرده؛ نیل به اهداف را میسر سازند.

در تحقیقی که سالیوان انجام داد، به بررسی دیدگاههای افرادی پرداخت که به انحصار گوناگون با تکنولوژی آموزشی درگیر هستند. نتایج نشان داد که پاسخگویان، توافق نسبتاً قاطعی نسبت به تأثیر دو مقوله تکنولوژی آموزشی و نظریه‌های یادگیری دارند. احساس آنها این بود که تکنولوژی آموزشی نقش مهمی در اصلاح و نوسازی ساختار آموزشی مدارس بر عهده دارد (هاوارد سالیوان، ۱۳۷۴).

تکنولوژی آموزشی به عنوان یک رشته از دانش و حرفه دارای سه بُعد است؛ بُعد اول به ابزار، وسایل و رسانه‌هایی توجه دارد که امر آموزش را آسان می‌کند و سخت‌افزار^۱ نامیده می‌شود، این بُعد توجه به رسانه‌های نوساخته، وسایل جدید سمعی و بصری و استفاده از آنها را در امر آموزش مورد تأکید قرار می‌دهد. در این راستا عباسی (۱۳۷۰) و واشتقانی فراهانی (۱۳۷۳) به بررسی نحوه کاربرد وسایل کمک آموزشی و موانع بهره‌گیری از آن توجه نموده‌اند. در بُعد دوم مجموعه روشها و فراگردهایی که در طرح، اجرا و ارزشیابی به کار گرفته می‌شود حایز اهمیت است، این جنبه را نرم‌افزاری^۲ می‌نامند. مجری آموزش از این دیدگاه بر اصولی مانند هدف، روش و تهیه منابع توجه دارد. اطهری‌راد (۱۳۷۵) با فرض توجه نکردن به تکنولوژی آموزشی نرم‌افزاری در صدد شناخت و بررسی عوامل مؤثر در به کارگیری آن بوده است. بُعد سوم تکنولوژی آموزشی، مجموعه‌ای از راهکارهایی است که با نگرش نظام‌مند (سیستمی) برنامه‌های آموزشی را تجزیه و تحلیل می‌کند و بر حل مسأله تأکید دارد، از این جنبه اگر

در نظام آموزشی مسأله‌ای بروز کند، عاملان آموزشی با بهره‌گیری از نگرش سیستمی به تبیین مشکل می‌پردازند و با بررسی عوامل به حل آن اقدام می‌نمایند (فردانش، ۱۳۷۲، ص ۱۶ و ۱۷).

امروزه کشورهای پیشرفته در علم و تکنولوژی با ورود به سومین مرحله، تکنولوژی آموزشی را به‌عنوان راهی برای حل مسأله به کار گرفته‌اند و با شناخت و بیان معنایی صحیح برای آن در پی بهره‌گیری و حل معضلات آموزشی هستند. ریچی و سلز (۱۹۹۴) جدولی از عوامل تأثیرگذار بر ساخت معنای تکنولوژی آموزشی ارائه داده‌اند و از صفات ویژه، گستره، ماهیت و محدوده آن یاد کرده‌اند.

شناخت تکنولوژی آموزشی با هر یک از ابعاد آن، نگرشی ویژه و شیوه‌ای خاص را ایجاد می‌کند. از آنجا که این «نگرش نوعی حالت آمادگی و یا تمایل به پاسخ را فراهم می‌آورد»، (گانیه، ۱۳۷۳، ص ۲۹۸) به هنگام تصمیم‌گیری که فرد ناگزیر از واکنش است، در بیان رفتار او تجلی می‌یابد و «تصمیم‌گیری جوهر اصلی تمامی فعالیت‌های مدیر و از اجزای جدایی‌ناپذیر مدیریت به‌شمار می‌آید» (الوانی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۷) و در هر وظیفه او به نحوی جلوه‌گر است و طبیعی است که مدیران در خلأ تصمیم‌گیری نمی‌کنند، بلکه عوامل مختلفی شیوه تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد که از جمله این عوامل می‌توان به دانش، بینش و نگرش اشاره کرد.

پژوهش حاضر بر آن است که دیدگاه رده‌های مختلف مدیریت آموزشی شهر اصفهان را نسبت به دو جنبه اول تکنولوژی بررسی کرده، دریابد که کدام جنبه بیشتر مورد توجه و کدامین مورد غفلت واقع شده است. رابطه بین متغیرهای مختلف خصیصه‌ای و نوع نگرش مدیران نسبت به تکنولوژی را بررسی نماید و دریابد کدامین عامل مؤثر است. همچنین با تعیین شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران، رابطه بین نوع نگرش و شیوه تصمیم‌گیری آنها را معین نماید تا پس از دریافت نتایج، اتخاذ تدابیر برای رفع نارساییها را به دست‌اندرکاران نظام آموزشی پیشنهاد کند.

بدین منظور ابتدا پیشینه بررسی‌های علمی و پژوهش‌های عملی انجام شده درباره موضوعات اصلی پژوهش مورد ملاحظه قرار گرفت، از بین محدود تحقیقاتی که در مورد تکنولوژی آموزشی صورت پذیرفته اکثر آنها نقش و اهمیت بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی و دلایل استفاده یا عدم استفاده از آنها را بررسی نموده و موارد اندکی به

مباحث نرم‌افزاری تکنولوژی آموزشی توجه کرده‌اند (عباسی ۱۳۷۰، واشقانی فراهانی ۱۳۷۳). همچنین نشریات تکنولوژی آموزشی بیشترین حجم را به بُعد سخت‌افزاری اختصاص داده‌اند، اما در ارتباط با مبحث تصمیم‌گیری در اغلب کتب مدیریت بخشی به این مقوله اختصاص یافته و در تعریف و جایگاه و فرآیند تصمیم‌گیری مطالبی ارائه شده و در مواردی نیز شیوه‌های تصمیم‌گیری مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند، در این زمینه تحقیقاتی نیز انجام شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی^۱ است که به منظور تحقق اهداف مورد نظر آن از روش علی مقایسه‌ای^۲ یا روش پس‌رویدادی^۳ استفاده شده است تا روابط بین عوامل و شرایطی که در بروز رفتار یا نگرشی که قبلاً نیز وجود داشته است کشف و بررسی گردد. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از سه پرسشنامه اطلاعات فردی به منظور بررسی ویژگیهای آزمودنیها، پرسشنامه نگرش نسبت به تکنولوژی آموزشی- که با توجه به وجوه اصلی نگرش که هر عبارت، نشان‌دهنده ضرورت توجه به یک بُعد و برانگیزاننده احساس مربوط به آن باشد، به سبک مقیاس لیکرت^۴- و پرسشنامه شیوه تصمیم‌گیری مدیران که بر اساس فرایند تصمیم‌گیری و با توجه به چهار شیوه اصلی تصمیم‌گیری اقتداری^۵، مشاوره‌ای^۶، مشارکتی^۷ و تفویضی^۸ طراحی گردید- استفاده شد.

اعتبار پرسشنامه‌ها با استفاده از روش دو نیمه کردن سؤالات در مورد نگرش نسبت به تکنولوژی آموزشی ۹۶٪ و شیوه تصمیم‌گیری ۹۳٪ محاسبه شده است. جامعه آماری تحقیق شامل چند رده مدیریت در آموزش و پرورش شهر اصفهان به ترتیب زیر بوده است:

رده بالاتر؛ شامل کلیه کارشناسان مسؤل در اداره کل که در شاخه‌های آموزش

1- Descriptive research

2- Causal comprative

3- Ex-post facto

4- R.A. Likert

5- Authoritative

6- Consultative

7- Participative

8- Delegative

عمومی، متوسطه، پرورشی، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی مشغول به کار بوده‌اند، یک رده میانی مدیریت، شامل کارشناسان مسؤل در شاخه‌های آموزش عمومی، متوسطه و پرورشی نواحی پنجگانه آموزش و پرورش و رده پایین‌تر مدیریت مشتمل بر کلیه مدیران مدارس در دوره‌های متوسطه عمومی، راهنمایی تحصیلی و آموزش ابتدایی به شرح جدول (۱) می‌باشد.

جدول شماره ۱: فراوانی جامعه آماری کارشناسان و مدیران مدارس در مقاطع سه‌گانه شهر اصفهان

جمع	مدیران ابتدایی		مدیران راهنمایی تحصیلی		مدیران متوسطه عمومی		کارشناسان		پاسخگویان ناحیه
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۱۳۹	۳۹	۲۸	۲۲	۲۰	۱۵	۸	-	۷	۱
۱۳۴	۲۶	۳۰	۲۳	۱۶	۱۶	۱۳	-	۱۰	۲
۲۵۷	۶۷	۶۰	۴۴	۳۷	۲۱	۱۶	-	۱۲	۳
۱۸۹	۴۸	۴۰	۲۶	۲۷	۱۸	۱۷	-	۱۳	۴
۲۷۲	۷۳	۷۷	۴۰	۴۰	۱۸	۱۴	-	۱۰	۵
۹۹۱*	۲۵۳	۲۳۵	۱۵۵	۱۴۰	۸۸	۶۸	-	۵۲	جمع
	۴۸۸		۲۹۵		۱۵۶		۵۲		

* با احتساب تعداد کارشناسان مسؤل حجم آماری ۱۰۱۳ نفر می‌باشد.

پس از برآورد حجم نمونه و انتخاب خوشه‌ای نواحی، تعداد نمونه در هر طبقه و ناحیه متناسب با حجم آن تعیین شد، آنگاه از ۲۲ نفر کارشناس مسؤل معادل حجم جامعه و ۲۹ نفر کارشناس و ۱۹۸ نفر مدیران مدارس در نواحی انتخابی نظرخواهی به عمل آمد و پس از جمع آوری نظرات از آزمونهای آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

نتایج و بحث

بررسی نگرش مدیران نسبت به تکنولوژی آموزشی مطالعه درباره تکنولوژی آموزشی، ملاحظه طرز تلقی افراد و توجه به تأکید کتب و رساله‌های نگارش یافته در این موضوع که در مجموع از توجه بیشتر به یکی از ابعاد تکنولوژی آموزشی حکایت می‌کند، پژوهشگر را بر آن داشت تا این مطلب را تحقیق کند، در این بررسی نتایج ذیل ملاحظه گردید.

جدول شماره ۲- مقایسه میانگین نمره مدیران در دو بُعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری

نگرش	آماره	میانگین \bar{X}	انحراف معیار S	خطای معیار $S\bar{X}$	t
نرم‌افزاری	۴۵/۷۲	۴/۷۴	۰/۳۱	۵/۸۵	
سخت‌افزاری	۴۳/۵۶	۶/۱۱	۰/۴۰		

N=۲۲۸

df=۲۲۷

P<۰/۰۵

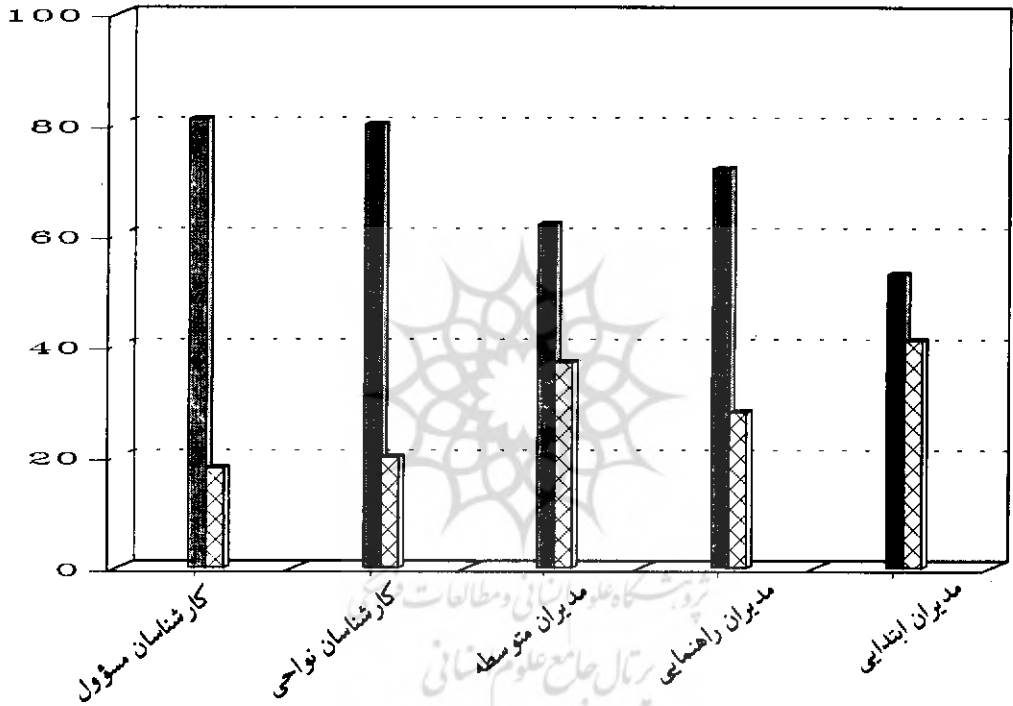
پژوهشگر معتقد است آنچه را مورد سنجش قرار داده، بینش و نگرش مدیران نسبت به مفاهیم کلیدی در تکنولوژی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است و نه برخورد افراد با این عناوین، چه بسا اگر صرفاً مورد اخیر بررسی می‌شد، نگرشها سخت‌افزاری‌تر می‌گردید، در تأیید می‌توان نظرخواهی «اطهری‌راد» در سطح ۳۲ مدرسه ابتدایی شهرستان سبزوار درباره معنای تکنولوژی آموزشی را نام برد که بیش از ۷۰٪ پاسخگویان، معنایی سخت‌افزاری قائل بوده‌اند (اطهری‌راد، ۱۳۷۳، ص ۳).

بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان ابراز نمود که مدیران به‌عنوان مجریان برنامه‌های آموزشی، برای عناوینی همچون انتخاب روشها و راهبردها در طراحی، اجرا و ارزشیابی فرایند آموزش، کسب قابلیت‌ها جهت نیل به اهداف و پردازش اطلاعات و

ساختار معلومات در ذهن نسبت به بهره‌گیری از مجموعه رسانه‌ها و کارافزارهای آموزشی، تجهیزات آزمایشگاهی و امکانات سمعی و بصری اهمیت بیشتری قایل شده‌اند؛ لذا نگرشی نرم‌افزاری از خود نشان داده‌اند. با توجه به اینکه نگرشها به‌عنوان بازده یادگیری، اعمال خاصی را معین نمی‌کنند، بلکه مجموعه‌ای از کنش یا عمل فرد را کم و بیش محتمل می‌سازند و غالباً به‌عنوان تمایل به پاسخ یا حالتی با ویژگی آمادگی برای پاسخ توصیف می‌شوند. (گانیه، ص ۲۹۷)، با وجود این گرایش، امید می‌رود که اگر نگرش نرم‌افزاری صرفاً نشأت گرفته از اندیشه‌ها نسبت به موضوع باشد و در بردارنده رفتاری که به کنش افراد برمی‌گردد نباشد؛ بتوان با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب در آموزش و پرورش و تأکید بر الگوها و نظریه‌های ارتباطی، نگرش نظام‌پذیر سیستمی و تغییر محور مطالعات روان‌شناسی به موضوعات روان‌شناسی - شناختی، موجبات تغییر در برداشتها و نگرشها را نسبت به تکنولوژی آموزشی بیش از پیش فراهم آورد و از آن به‌عنوان یک علم کاربردی در زمینه‌های آموزشی بهره‌گرفت. البته نتیجه حاصل، نشان‌دهنده بروز تحولات در آموزش و پرورش، بررسی و تجدید نظر در برخی کتب و محتوای آن، تأکید بر بهره‌گیری از وسایل توأم با گسترش تجهیزات نسبت به سنوات گذشته بوده است. در ادامه با بررسی تفاوت بین میانگین‌های دو نوع نگرش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تکنولوژی آموزشی در هر یک از رده‌ها این نتیجه به‌دست آمد که در رده کارشناسان مسؤل تفاوت معنی‌داری بین دو نوع نگرش وجود داشته و دیدگاه غالب، نرم‌افزاری شناخته شده است، ولی در سایر رده‌ها، کارشناسان نواحی و مدیران دوره‌های مختلف تحصیلی، نگرش یکسانی نسبت به ابعاد تکنولوژی آموزشی داشته‌اند. احتمالاً رده بالاتر مدیران به‌واسطه اطلاعات بیشتر، تجارب عملی افزون‌تر و وسعت حوزه کار و فعالیت و مواجهه با مسائل مختلف، نگرش مطلوب‌تری را نشان داده‌اند، اما مدیران دیگر رده‌ها برای مفاهیم محتوایی دو بُعد ارزشی یکسان قایل شده‌اند که باید مورد تأمل و بررسی قرارگیرد.

بررسی چگونگی تغییر یا تفاوت نگرش از رده‌های بالا به سطوح پایین‌تر مدیران که می‌توانند جهت‌دهنده حرکتها برای ایجاد و تقویت نگرش مطلوب باشد، در نمودار روبه‌رو نشان داده شده است.

سخت‌افزاری  نرم‌افزاری 



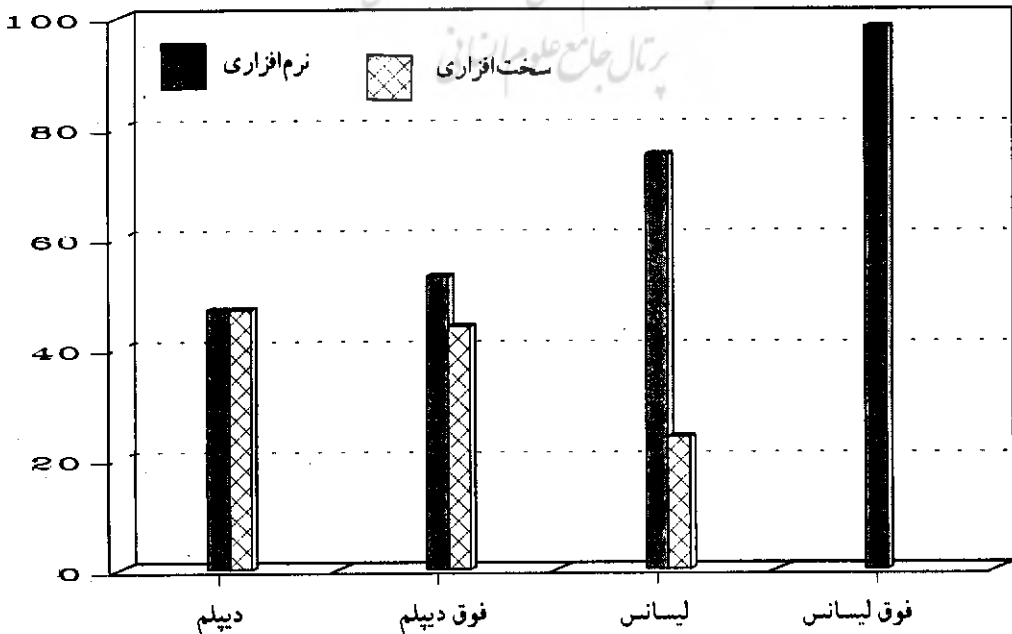
نمودار ۱: توزیع پاسخگویان در رده‌های مختلف مدیریت بر حسب نوع نگرش

در ادامه، تحقیق نشان داد که مدیران رده‌های مختلف نگرش یکسانی نسبت به بعد نرم‌افزاری دارند، اما تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌ها در بعد سخت‌افزاری معنی دار بوده و بر اساس آزمون "شفه" بین مدیران مقطع راهنمایی و ابتدایی با کارشناسان مسؤول تفاوت معنی دار وجود داشته و مدیران این دو مقطع نسبت به بالاترین رده، سخت‌افزار بوده‌اند. بنابراین هنوز مفهوم تکنولوژی آموزشی در رده‌هایی از جامعه آموزش و پرورش کشور به درستی شناخته نشده است و بعضی نیز برداشت نادرستی از آن دارند و بیش از هر مقوله در زمینه کمیت‌ها، هدفهایی را برای آن مطرح می‌کنند و یا هدف تکنولوژی آموزشی را گسترش بعضی خدمات آموزشی می‌دانند. هدفهای کیفی را نیز آشکارا یا ضمنی و گاه به گاه، انگیزه‌ساز کاربرد تکنولوژی آموزشی معرفی می‌کنند.

نظر به اینکه این پژوهش، نگرش و یا به عبارت دیگر چگونگی احساس افراد و باورهای آنان را نسبت به موضوع بررسی کرده است، پژوهشگر ناگزیر در مورد احساسات و باورهای افراد به گفته‌های آنها تکیه می‌کند و گفته‌ها را زمینه‌ای از عقاید می‌پندارد، لذا دخل و تصرف در برخی نگرشها و تصحیح آنها ضروری می‌نماید، از این رو به بررسی ویژگیهایی که ممکن است با نوع نگرش مدیران مرتبط باشد پرداخته شد.

ویژگیهای مدیران و نگرش آنان نسبت به تکنولوژی آموزشی

تحقیقات نشان داد که جنسیت به عنوان یک ویژگی خصیصه‌ای مدیران، عاملی خنثی در گرایش آنها به ابعاد تکنولوژی آموزشی است، لیکن بین سن مدیران و نگرش آنان نسبت به موضوع رابطه وجود دارد. بالاترین درصد مدیران نرم‌افزار در گروه سنی ۳۰ - ۳۵ و بالاترین درصد سخت‌افزار در گروه سنی ۴۰ - ۴۴ سال بوده‌اند. اما درباره سطح تحصیلات نمودار ذیل گویای مطلب است.



نمودار ۲: توزیع پاسخگویان در سطوح مختلف تحصیلی بر حسب نوع نگرش

ملاحظه می‌شود از سطح تحصیلات دیپلم به فوق لیسانس نگرش نرم‌افزاری افزایش و نگرش سخت‌افزاری کاهش یافته است، عدم بهره‌مندی از مباحث علمی تدریس و معلمی برای مقطع دیپلم و رشد بینش عمومی، طرز تلقی صحیح و بروز نگرشهای مطلوبتر نسبت به مسائل مختلف را می‌توان برای مدیران دارای مدرک فوق لیسانس مطرح دانست. پس نظر به نقش مؤثر تحصیلات در نوع نگرش مدیران، به دست اندرکاران توصیه می‌شود کسانی را جهت احراز مشاغل مدیریت برگزینند که از تحصیلات بالاتری برخوردار باشند. لازم به ذکر است که نتایج تحقیق نشان داد که میزان تحصیل مدیران در رشته‌های علوم پایه یا علوم انسانی در نوع نگرش آنها نقشی نداشته است.

سنوات خدمت مدیران نیز با نوع نگرش آنها نسبت به تکنولوژی آموزشی رابطه معنی‌دار نشان داد به طوری که بالاترین میزان نگرش سخت‌افزاری به سابقه خدمت ۲۰ تا ۲۵ سال مربوط می‌شد و کمترین آن به سابقه خدمت ۱۰ تا ۱۵ سال، که همین گروه بیشتر از سایر گروهها نگرش نرم‌افزاری داشته‌اند. ضمناً بین سابقه خدمت در سمت مدیریت و نگرش نسبت به تکنولوژی آموزشی رابطه معنی‌دار ملاحظه نشد، لیکن بیشترین درصد نگرش سخت‌افزاری در سنوات مدیریت ۱۶ سال به بالا بوده که این گروه کمترین نگرش نرم‌افزاری را داشته‌اند، در بررسی رتبه پاسخگویان با سوابق مختلف مدیریتی مشاهده شد که با افزایش سابقه خدمت در سمت مدیریت میانگین رتبه نگرش سخت‌افزاری نیز افزایش یافته و شاید بتوان این امر را به بهره‌مندی کمتر از اطلاعات و یافته‌های نوین علمی، ابقاء در پست مدیریت و دوری از شناخت راه و روش، ارزش و اهمیت آن و توجه افزوتر به امکانات و تجهیزات مربوط دانست.

نتایج حاصل از بررسی شیوه تصمیم‌گیری مدیران

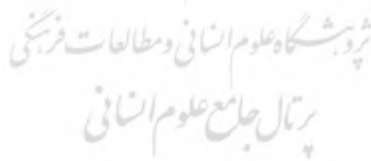
نظر به این مهم که در عصر سیستم‌ها که همان عصر گرایش به کلی‌نگری و پرهیز از جزئی‌نگری‌هاست، در عصری که توفیق در گرو شناخت محیطهای گوناگون است که ما را از هر سو احاطه کرده و در عصری که تحول و تغییر به گونه‌ای فزاینده همه جا را فرا گرفته است؛ ارائه شیوه و الگویی خاص برای تصمیم‌گیری که قادر باشد در این شرایط

متغیر و متحول در برابر نفوذ محیطهای مختلف و متنوع موجود پاسخگو و کارساز باشد، کاری غیر عملی است؛ لذا در چنین احوالی باید از مطلق‌گرایی پرهیز کرد و به دنبال الگوهایی بود که در مقابل شرایط متغیر امروز بتواند از طریق تلفیق و ترکیب و انعطاف‌پذیری کافی به نیازها پاسخی مناسب و درخور بدهد. بنابراین باید از اتکای به یک روش و شیوه خاص در تصمیم‌گیری به‌عنوان یگانه روش مناسب و مطلوب حذر کرد و شرایط و موقعیت را عامل تعیین‌کننده در انتخاب شیوه مطلوب دانست تا با بهره‌گیری از کلیه سبکها و شیوه‌ها و الگوهای موجود - و با توجه به شرایط و موقعیتهای محیطی - بهترین و مناسبترین روش را برگزید و به کمک آن به انتخاب و تصمیم‌گیری پرداخت (الوانی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۹-۱۵۱). بنابراین پژوهشگر چنین فرض نموده که مدیران با بهره‌گیری از یک الگوی اقتضایی که برگرفته از نگرش سیستمی است، از سبکهای مختلف تصمیم‌گیری استفاده می‌نمایند، لیکن با ملاحظه نتایج، مشاهده شد که دو سبک مشاوره‌ای و مشارکتی بیشترین میزان انتخاب را دارند و ضمناً بین رده‌های مختلف مدیران و سبک تصمیم‌گیری آنان رابطه‌ای وجود نداشته است و همان‌گونه که قبلاً نیز مطرح شد «نگرش عبارت از نوعی حالت آمادگی و یا تمایل به عمل یا عکس‌العمل خاص در مقابل محرکها است» و از آنجا که نگرش، غالباً حاضر اما راکد است و فقط در صورت برخورد با موضوع، در بیان و رفتار او تجلی می‌نماید (اوپنهایم، ص ۷۴) و تصمیم‌گیری موقعیتی است که در برخورد با مسائل عکس‌العمل می‌طلبد و بنا به تعریف استونر در ۱۹۸۲ «فراگردی است که طی آن شیوه عمل خاصی برای حل مسأله یا مشکل ویژه برگزیده می‌شود» (علاقه‌بند، ۱۳۷۴، ص ۲۳)؛ بنابراین پژوهشگر وجود رابطه بین این دو مقوله را محتمل دانسته، لیکن نتایج دو متغیر نگرش نسبت به تکنولوژی آموزشی و شیوه تصمیم‌گیری مدیران را مستقل از یکدیگر نشان داد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

تکنولوژی آموزشی به مفهوم جدید آن از مباحث مهم و مؤثر در نظامهای آموزشی است که دست‌اندرکاران این سیستم‌ها جهت ادامه و رشد تلاش خویش بدان نیاز مبرم دارند. این پژوهش که به بررسی نگرش مدیران نسبت به این مهم پرداخته است در یک

جمع‌بندی کلی دریافت‌ها که مجریان آموزش و پرورش برای مباحث محتوایی بُعد نرم‌افزاری، ارزش و بهای بیشتری قایل‌اند و این بینش در بالاترین رده مورد بررسی به وضوح روشن است، لیکن سایر رده‌ها نسبت به ابعاد مورد توجه، نگرش یکسانی داشته‌اند. بین مدیران دوره‌های ابتدایی و راهنمایی با بالاترین رده یعنی کارشناسان مسؤول تفاوت معنی‌دار ملاحظه شد و از بین متغیرهای مورد بررسی همچون سن، سطح تحصیلات، سابقه خدمت با نوع نگرش مدیران رابطه معنی‌دار نشان داده شد. از مهمترین یافته‌های این بخش می‌توان از رابطه مستقیم سطح تحصیلات و نگرش نرم‌افزاری و همچنین میانگین رتبه سابقه مدیریت و نگرش سخت‌افزاری یاد کرد. در مبحث تصمیم‌گیری که جوهر اصلی فعالیت‌های مدیران می‌باشد دو سبک مشارکتی و مشاوره‌ای متداول‌تر است و نگرش نسبت به تکنولوژی آموزشی و سبک تصمیم‌گیری مدیران، مستقل از یکدیگر شناخته شد.



منابع و مأخذ

- اطهری‌راد، ع. (۱۳۷۳)، نقش تکنولوژی در تسهیل مدیریت مدارس، رشد تکنولوژی آموزشی (۴ و ۳ و ۲).
- اطهری‌راد، ع. (۱۳۷۵)، عوامل مؤثر در کاربرد تکنولوژی آموزشی فرایندی در مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش شهر سبزوار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- الوانی، م. (۱۳۷۱)، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی. تهران، انتشارات سمت.
- الوانی، م. (۱۳۷۳)، مدیریت عمومی. تهران، نشر نی.
- اوپنهایم، ا.ان. طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها. ترجمه مرضیه کریم‌نیا، (۱۳۶۹)، معاونت آستان قدس رضوی.
- سالیوان، ها. چشم‌انداز آتی تکنولوژی آموزشی، ترجمه راجی، (۱۳۷۲)، رشد تکنولوژی آموزشی (۴ و ۳ و ۲).

- شیرازی، ع. (۱۳۷۳)، مدیریت آموزشی. مشهد؛ جهاد دانشگاهی مشهد.
- عباسی، پ. (۱۳۷۰)، بررسی نحوه کاربرد وسایل کمک آموزشی در دبیرستانهای شهر اصفهان و نظرخواهی از دبیران در رابطه با چگونگی استفاده مؤثر از وسایل در جریان آموزش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- علاقه بند، ع. (۱۳۷۴)، مقدمات مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات بعثت.
- فردانش، د. (۱۳۷۲)، مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، تهران، انتشارات سمت.
- گانیه، رابرت. ام. شرایط یادگیری و نظریه آموزشی، ترجمه نجفی زند، (۱۳۷۳)، انتشارات رشد.
- نیکنامی، م. (۱۳۷۲)، نظارت و راهنمایی تعلیماتی و جایگاه آن در آموزش و پرورش، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش.
- واشقانی فراهانی، م. (۱۳۷۳)، بررسی موانع بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در فرایند تدریس و یادگیری از دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی شهر اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- Richey, Rita C., Scels. Barbara. (1994) "A Case Study of the Development of the 1994 Definition of Instructional Technology". Educational Media and Thecnology Year book, 30 : PP 2 - 17.